



بررسی ارتباط لنگش با برخی شاخص های تولید مثلی و اثرات آنها بر پارامترهای خونی در زمان ابتلا به لنگش در یک

گاوداری نمونه صنعتی در شهرستان کرج

سارا حبیب نژاد عربی^{۱*}، آرمین براتی^۲، حمیدرضا مسلمی^۳

۱. دانشجوی سال ششم دانشکده دامپزشکی دانشگاه سمنان

۲. دانش آموخته دانشکده دامپزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

۳. استادیار گروه علوم درمانگاهی دانشکده دامپزشکی دانشگاه سمنان

مقدمه: لنگش یکی از مهمترین و منحصر به فردترین مشکلات در سلامتی گاو است. لنگش بعد از مشکلات تولیدمثلی و ورم پستان به عنوان سومین عامل حذف زود هنگام گاوها از گله گزارش شده است. گاوهایی که از ضایعات اندامهای حرکتی رنج می برند، تولید شیر و عملکرد تولیدمثلی پائینی دارند و عمر اقتصادی و مفید آن ها کاهش می یابد. این تحقیق به منظور بررسی ارتباط لنگش با برخی شاخص های تولید مثلی و اثرات آنها بر پارامترهای خونی در زمان ابتلا به لنگش در یک گاوداری نمونه صنعتی در شهرستان کرج انجام شد. روش کار: این مطالعه در یک گاوداری صنعتی ۸۰۰ راسی در منطقه کرج انجام گردید. ابتدا بر اساس سیستم درجه بندی ۵ نقطه ای *spreacher*، گاوهای مبتلا به لنگش بالینی (گاوهایی که درجه لنگش آنها بزرگتر و یا مساوی ۳ باشد) انتخاب شد. جهت گروه کنترل نیز گاوهای سالم (غیر لنگ) انتخاب شدند. اطلاعات مربوط به حیوانات نظیر میزان تولید شیر، میزان شاخص *BCS*، میزان روزهای باز، تعداد تلقیح به ازای آبستنی، تعداد فحلی های مشاهده شده به ازای آبستنی ثبت گردید. درجه بندی *BCS* بر اساس روش *Wildman* انجام و ثبت شد. سپس از بین گاوهای مبتلا به لنگش، تعداد ۳۰ راس مبتلا به لنگش شدید (درجه ۴ یا ۵) انتخاب و پس از اخذ خون از سیاهرگ وادج، فاکتورهای هماتولوژی در این حیوانات مورد ارزیابی قرار گرفت. جهت گروه کنترل، ۳۰ راس گاو سالم (غیر لنگ) نیز مورد ارزیابی هماتولوژی قرار گرفت. بحث و نتیجه گیری: بر اساس یافته های موجود، مشخص گردید که، میزان تولید شیر، میزان شاخص *BCS*، میزان روزهای باز، تعداد تلقیح به ازای آبستنی و تعداد فحلی های مشاهده شده به ازای آبستنی، در میان گاوهای مبتلا به لنگش و گروه سالم تفاوت معنادار می باشد ($p < 0.05$). براین اساس تعداد سلولهای سفید (*WBC*) اختلافی را بین دو گروه نشان نداد ($p > 0.05$)، در حالیکه تعداد گلبول های قرمز (*RBC*) بین دو گروه اختلاف معناداری را نشان داد ($p > 0.05$). کلمات کلیدی: شاخص های تولید مثلی، پارامترهای خونی، لنگش

بررسی اثرات سمی ناشی از نانوپارسیکل اکسید روی بر روی بافت کبد در موش صحرایی نر نژاد ویستار

رضا امانی^{۱*}، سید محمد حسینی^۲، لیلا بیگم حجازیان^۳

۱. گروه دامپزشکی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

۲. گروه پاتوبیولوژی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

۳. گروه آناتومی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

rezaamani73@yahoo.com

مقدمه: فناوری نانو نقطه عطفی در علم مواد مدرن است. در سال های اخیر، نانوذرات اکسید روی در زمینه تهیه مواد غذایی، صنایع رنگ، لوازم آرایش و بهداشتی، کرم های ضد آفتاب و تکنیک های پیشرفته پزشکی کاربرد گسترده ای داشته است. با توجه به کاربرد گسترده نانوذرات در زمینه های صنعتی و افزایش چشمگیر آلاینده های هوا در طول دو دهه اخیر این نکته قابل تصور است که بدن انسان ممکن است خواسته یا ناخواسته در معرض این مواد قرار گیرد. روش کار: در این مطالعه تجربی، از ۳۰ سر موش صحرایی نر بالغ نژاد ویستار ۱۲-۱۰ هفته ای، با وزن تقریبی 20 ± 22 گرم استفاده شد که به صورت تصادفی به ۳ گروه ۱۰ تایی شامل کنترل، شم و درمان تقسیم شدند. گروه کنترل هیچ ماده ای دریافت نکرد، گروه شم نرمال سالین و گروه درمان نانوپارسیکل اکسید روی با سایز ۵۰-۲۵ میکرون با دوز 75 kg/mg را دو بار در هفته به مدت ۴ هفته به صورت تزریق داخل صفاقی دریافت کردند. در پایان دوره آزمایش حیوانات با ترکیبی از داروی کتامین- زایلازین بی هوش گردیده و پس از کالبدگشایی بافت کبد جدا گردیده و در فرمالین بافر ۱۰٪ تثبیت شد. نمونه های بافتی پس از انجام مراحل پاساژ بافتی به کمک میکروسکوپ نوری مورد ارزیابی قرار گرفت. بحث و نتیجه گیری: ارزیابی هیستوپاتولوژیک بافت کبد گروه درمان در مقایسه با گروه کنترل ضایعاتی همچون نکروز، پرخونی، دژنراسانس واکوتولی و اینفیلتریشن سلول های آماسی را نشان داد. نتایج مطالعه حاضر سمیت نانوذرات اکسید روی بر روی بافت کبد را مشخص نمود؛ بنابراین مواجهه با این نانوذرات در کارخانجات و محیط زیست می تواند خطرات جدی را برای انسان به همراه داشته باشد. کلمات کلیدی: نانوذرات، اکسید روی، کبد، موش صحرایی